

● معرفی و نقد کتاب

سازمان ملل متحد و حقوق بشر

(راهنمایی برای عصر حاضر)

Julie A. Mertus: (2005), *The United Nations and Human Rights a Guide for New Era*, London and New York: Routledge, pages: 223.

مقدمه

جولی مرتوس (Julie A. Mertus) دانشیار روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های آمریکا و مدیر برنامه اخلاق، صلح و امور جهانی (Ethics, Peace and Global Affairs Program) است. خانم مرتوس از دانشگاه کورنل (Cornell) و مدرسه حقوق ییل (Yale) فارغ‌التحصیل شده است. حوزه فعالیت‌های ایشان، بحران‌های قومی و ملی، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و پناهندگان می‌باشد و در این زمینه‌ها با سازمان‌هایی نظیر: کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR) و (OXFAM) به‌عنوان مشاور همکاری می‌کند. از ایشان علاوه بر کتابی که در نوشتار حاضر مورد بررسی و نقد قرار گرفته شده است، چندین کتاب در زمینه حقوق بشر، مسائل زنان، پناهندگان و غیره نیز به چاپ رسیده است.

کتاب سازمان ملل متحد و حقوق بشر راهنمایی برای عصر حاضر، به‌عنوان منبعی در زمینه سازمان‌های بین‌المللی تدوین گردیده است که می‌تواند مورد استفاده متخصصان و دانشجویان در موضوع سازمان‌های بین‌المللی قرار گیرد. در مجموع نگارنده در تلاش است، اطلاعات جامعی را در این زمینه ارائه دهد و از سوی دیگر صراحت و اختصار را حفظ نماید.

جهت تدوین کتاب از مصاحبه با متخصصان و دانش پژوهان رشته روابط بین‌الملل و حقوق بشر نیز استفاده کرده است. در طی متن با ارائه مثال‌های ویژه و خاص در موضوعات مختلف سعی شده است مسائل برای خواننده بهتر روشن شود. نگارنده معتقد است که با وجود فضای محدود نمی‌توان جزئیات کامل تمام رویه‌های حقوق بشر را مرور کرد و همچنین نمی‌توان کلیه ارکان سازمان ملل متحد مرتبط با موضوع حقوق بشر را پوشش داد به همین جهت کتاب از پرداختن به کلیه ارکان سازمان ملل درگیر موضوع حقوق بشر و تمام جوانب و جزئیات حقوق بشر اجتناب ورزیده است.

فصل اول: راهنمایی بر فعالیت جدید حقوق بشری سازمان ملل متحد

نویسنده در این فصل درصدد پاسخ به دو سؤال اصلی است:

الف) کار حقوق بشر سازمان ملل در کجا اتفاق می‌افتد؟

امروزه واقعاً کلیه ارکان سازمان ملل، آژانس تخصصی سازمان ملل حتی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول وظایفی را در راستای حمایت و ارتقای حقوق بشر در برنامه‌ها و فعالیت‌های خود عهده‌دار شده‌اند. مطمئناً این‌گونه تلاش‌ها با انتقادهایی همراه بوده است. اسکات لانگ یکی از فعالان حقوق بشر می‌گوید: «برخی مردم از حقوق بشر بین‌المللی صحبت می‌کنند، در حالی که حقوق بشر نمی‌تواند در سطح بین‌المللی مطرح شود. زیرا برخی فکر می‌کنند که حقوق بشر بین‌المللی برای زندگی محلی آنها مشکلاتی ایجاد کرده و هویت ملی آنها را تهدید می‌کند».

ب) بازیگران اصلی حقوق بشر چه کسانی هستند؟

تنوع بازیگران درگیر در فعالیت‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد به شدت گسترش یافته است. اما هنوز دولت‌ها مرکز اصلی سیستم حقوق بشر می‌باشند، بدون تعهد دولت‌ها

برای اجرای حقوق بشر محلی، سیستم با شکست روبه‌رو می‌شود. امروزه بیش از هر زمان، کشورها هم به حقوق بشر در سیاست خارجی توجه ویژه‌ای دارند و هم از سیاست‌های محلی خود در زمینه حقوق بشر دفاع می‌کنند. اما نباید فراموش کرد که سازمان‌های غیردولتی نیز در راستای توسعه و ترویج حقوق بشر ایفای نقش می‌کنند و استراتژی‌ها و تاکتیک‌های حقوق بشری سازمان‌های غیردولتی به‌طور چشمگیری تغییر کرده است.

سازمان‌های حقوق بشر غربی با تکنیک‌هایی نظیر نوشتن نامه به مقامات ملی و بین‌المللی، صدور بیانیه، تشکیل دوره‌های آموزشی، برگزاری اعتراضات عمومی و بهره‌گیری از فناوری ارتباطات نقش مؤثری در زمینه حقوق بشر ایفا می‌کنند و تأثیرات گسترده‌ای بر رهبران و نمایندگان رسمی دولت می‌گذارند.

در پایان این فصل اهداف کتاب را به شرح زیر بیان می‌کند:

- مروی جامع و کلی به سیستم حقوق بشر نه با جزئیات کامل،
- مرور نقش‌های ارائه شده از سوی بازیگران و نهادهای مختلف در زمینه حقوق بشر،
- پرداختن به نقش سازمان‌های غیردولتی در زمینه ارتقا و حمایت از حقوق بشر،
- معرفی مباحث مرتبط با موضوع اصلاح و بازسازی سازمان ملل.
- ارائه راهکارهایی برای تحقیقات و اقدامات گسترده‌تر در زمینه حقوق بشر.

فصل دوم: کمیساریای عالی حقوق بشر

کمیساریای عالی حقوق بشر در دسامبر ۱۹۹۳ بنا به توصیه مجمع عمومی سازمان ملل براساس قطعنامه ۴۸/۱۴۱ به‌وجود آمد. تا به ارتقا و حمایت مؤثر از انواع حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین حق توسعه اقدام نماید. کمیسر عالی که به مدت ۴ سال منصوب می‌شود وظایف بسیاری از جمله حمایت از برخورداری مؤثر همگان از حقوق بشر و ترویج همکاری‌های بین‌المللی برای حقوق بشر را به‌عهده دارد.

کمیسر عالی تحت هدایت و رهبری دبیرکل سازمان ملل به کمیسیون حقوق بشر معرفی شده و از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی گزارش می‌دهد. کمیسر عالی به منظور تضمین احترام حقوق بشر و پیشگیری از نقض آن با دولت‌ها به گفتگو می‌پردازد.

این بخش به سه قسمت تقسیم شده است در قسمت اول اصول اداری کمیساریا توضیح داده شده است، همچنین انتظارات بازیگران اصلی طرفدار شکل‌گیری کمیساریا بیان شده است. در قسمت دوم فعالیت‌های کلیدی کمیساریای عالی و اقدامات انجام‌شده با ارائه مثال‌هایی در زمینه مسائل حقوق کودک توضیح داده شده است. در پایان فصل با ارزیابی مقدماتی از فعالیت‌های کمیساریا و با شناسایی موقعیت و فرصت‌ها برای توسعه آن نتیجه‌گیری ارائه شده است.

فصل سوم: منشور ملل متحد - ارکان اصلی (و دیگر ارکان غیر قراردادی)

تنظیم‌کنندگان منشور ملل متحد می‌دانستند که آنها ساختار سند سازمان مهمی را می‌نویسند. هر یک از آنها امیدوار بودند از جنگ‌های جهانی آینده در امان باشند. آنها تاکنون فکر نکرده‌اند که سیستم حقوق بشر بین‌المللی به وجود آورده‌اند. شروط حقوق بشر در سراسر منشور پراکنده شده است. اما این پراکندگی باعث گردید که این منبع به عنوان سیستمی برای حمایت از حقوق بشر در نظر گرفته نشود.

ماده ۱ منشور ملل متحد تصریح می‌کند که یکی از اهداف سازمان ملل دستیابی به همکاری بین‌المللی از طریق ارتقا و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون برتری نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب است.

وجود شروط حقوق بشر در منشور ملل متحد شرایط را برای اجرای حقوق بشر ایجاد کرد. به‌طور ویژه ماده ۵۵ منشور سه هدف که کشورهای عضو سازمان ملل برای ارتقا متعهد شده‌اند را مطرح می‌کند.

الف) استانداردهای زندگی بهتر، اشتغال کامل به بهبود و توسعه وضعیت اقتصادی و اجتماعی؛

ب) حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی بین‌المللی و افزایش همکاری فرهنگی و آموزش بین‌المللی؛

ج) احترام جهانی و رعایت حقوق بشر آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض نژاد، زبان و مذهب؛

با پذیرش منشور، ماده ۵۶ اذعان می‌دارد کلیه اعضا متعهد می‌شوند که برای نیل به اهداف مذکور در ماده ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته‌جمعی به عمل آورند.

مرور منشور- ارکان اصلی (ارکان غیر آزادی)

۱. مجمع عمومی: ماده ۱۰ و بند ۱ از ماده ۱۳ به مجمع عمومی اختیار داده است تا در جهت ترویج همکاری‌های بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی، بهداشتی و همکاری در زمینه آزادی‌های اساسی و حقوق بشر بدون تبعیض نژادی براساس مذهب، جنسیت و زبان اقدام کند. مجمع عمومی با صدور قطعنامه‌های ۴۹۱۱۸۴ در سال ۱۹۹۴ و ی ۵۶/۱۱۵ در سال ۲۰۰۲ در ترویج و ارتقای حقوق بشر اقدام کرده است.

۲. کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی: کمیسیون در سال ۱۹۴۶ و ۱۹۴۷ برای حمایت و ارتقای حقوق بشر توسط شورای اقتصادی - اجتماعی تأسیس گردید. کمیسیون حقوق بشر به‌طور ویژه عهده‌دار تنظیم استانداردهای حقوق بشر در سطح جهان و کمیسیون فرعی متعهد به انجام مطالعاتی در راستای اعلامیه جهانی حقوق بشر و تنظیم توصیه‌نامه‌هایی برای کمیسیون حقوق بشر، جلوگیری از تبعیض نژادی و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است.

۳. کمیسیون مقام زنان: این کمیسیون در سال ۱۹۴۶ توسط شورای اقتصادی-

اجتماعی تأسیس گردید. کمیسیون مقام زن موظف است توصیه‌نامه‌ها و گزارش‌هایی برای شورا در حمایت از حقوق زنان در زمینه موضوعات سیاسی، اقتصادی، مدنی، اجتماعی و آموزشی تهیه نماید. کمیسیون مقام زن کوبا با ۱۵ عضو آغاز به کار کرد، هم‌اکنون متشکل از ۴۵ عضو است که توسط شورای اقتصادی - اجتماعی برای دوره‌ای چهار ساله انتخاب می‌شوند که ترکیب آن از این قرار است: ۱۳ عضو از کشورهای آفریقایی، ۱۱ عضو از آسیا، ۴ عضو از اروپای شرقی، ۹ عضو از آمریکای لاتین و کارائیب و ۸ عضو از اروپای غربی و دیگر کشورها.

۴. دیوان دادگستری بین‌المللی: این دیوان متشکل از ۱۵ قاضی مستقل است که توسط مجمع عمومی و شورای امنیت انتخاب می‌شوند و از ارکان اصلی سازمان ملل متحد می‌باشد. دیوان براساس منشور ملل متحد شکل گرفت و هر کشوری که منشور ملل متحد را پذیرفته و به عضویت سازمان ملل پذیرفته شده باشد، به عضویت دیوان دادگستری بین‌المللی نیز درمی‌آید.

در کنار ارکان اصلی، ارکان غیر قراردادی مرتبط با حقوق بشر نیز وجود دارند که به طور موردی می‌توان به مواردی نظیر کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR)، صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF) و برنامه توسعه ملل متحد (UNDP) نیز اشاره کرد. شایان ذکر است که در این فصل اطلاعات جامع و کاملی درخصوص نقش کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و کمیسیون فرعی ارائه شده است.

فصل چهارم: ارکان قراردادی حقوق بشر

این فصل با معرفی ارکان قراردادی حقوق بشر آغاز و به بررسی هفت قرارداد ویژه می‌پردازد و ترکیب و تعهدات آنها توصیف می‌گردد و به‌طور خاص این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد که آیا سازوکارهای دادخواهی افراد قابل دستیابی است یا خیر؟ در پایان نتیجه‌گیری فصل و خلاصه‌ای از ارکان قراردادی مطرح می‌شود.

مرور نحوه کار کمیته‌های حقوق بشر

ارکان قراردادی یا کمیته‌های شکل گرفته، اشخاصی با ویژگی اخلاقی مطلوب که به‌طور کلی در زمینه حقوق بشر متخصص هستند به‌وسیله این معاهده پوشش داده می‌شوند. آنها به‌عنوان اشخاصی مستقل تر از نماینده کشور متبوع خود عمل می‌کنند. کارکرد این کمیته عبارت است از: مرور گزارش کشورها، ارتباط با مردم کشورها به‌طور مستقیم، صدور بیانیه عمومی مذاکرات اصولی و پایه‌ای، برگزاری میزگردهای باز.

مرور ارکان قراردادی خاص

کمیته حقوق بشر: کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی توسط مجمع عمومی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ پذیرفته شد و در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ براساس ماده ۲۸ کنوانسیون برای نظارت بر نحوه اجرای کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی ایجاد گردید. ۱۸ عضو کمیته سه بار در سال به مدت سه هفته تشکیل جلسه می‌دهند. به‌طور کلی در مارس در نیویورک مقر سازمان ملل متحد و در ژوئیه و نوامبر در ژنو تشکیل جلسه داده و سپس گزارش خود را درخصوص نحوه اجرای کنوانسیون صادر می‌کنند.

کمیته حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی (ICESCR): پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۹۷۶ اجرایی شد. رکن اجرایی پیمان‌نامه حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی براساس قطعنامه شورای اقتصادی - اجتماعی قبل از اجرای پیمان‌نامه تشکیل گردید. پیمان‌نامه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی برخلاف پیمان‌نامه مدنی - سیاسی به‌طور مستقل از سازمان ملل عمل نمی‌کند بلکه باید به‌عنوان همکار شورای اقتصادی - اجتماعی در تکمیل این نقش عمل نماید. در سال ۱۹۵۸ شورای اقتصادی - اجتماعی گروه کاری کمیته حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی را برای کمیته نام‌گذاری کرد که شامل ۱۸ کارشناس مستقل می‌باشد و این کمیته سه بار در سال در ژنو تشکیل جلسه می‌دهد.

از دیگر ارکان قراردادی می توان به کمیته محو تبعیض نژادی که در سال ۱۹۶۹ اجرایی شد و متشکل از ۱۸ کارشناس است که توسط کشورهای عضو انتخاب می شوند، کمیته محو تبعیض علیه زنان که در سال ۱۹۸۱ اجرایی شد که متشکل از ۲۳ عضو است، کمیته ضد شکنجه (۱۹۸۷)، کمیته حقوق کودک (۱۹۹۰) و کمیته حمایت از حقوق کلیه کارگران مهاجر و کلیه اعضای خانواده آنها (ژوئیه ۲۰۰۳) اشاره کرد.

فصل پنجم: شورای امنیت

این فصل به پنج قسمت تقسیم شده است: بخش اول با مباحث تاریخی از اختیارات سیاسی شورای امنیت در زمینه حقوق بشر با تمرکز ویژه‌ای از اقدامات شورای امنیت در این زمینه شروع شده است. بخش دوم به تلاش‌های شورای امنیت در راستای ترویج حقوق بشر پرداخته و به‌طور خاص مداخله بشردوستانه در مفهوم مسؤولیت شورای امنیت در حمایت از حقوق بشر را بررسی می‌کند. در بخش سوم مسؤولیت خود سازمان ملل متحد برای نقض حقوق بشر مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش چهارم بیشترین مباحث مرتبط با اصلاح شورای امنیت است و در پایان نیز با نگاهی به نقش سازمان‌های غیردولتی در دفاع از حقوق بشر، نتیجه‌گیری ارائه شده است.

فصل ششم: سازمان بین‌المللی کار

مباحث این فصل نسبت به سایر فصول کوتاه‌تر و مختصرتر می‌باشد. ابتدا موضوع حقوق بشر در سیستم سازمان بین‌المللی با مقدمه‌ای کلی از سازمان بین‌المللی آغاز می‌شود و سپس موضوع جهانی شدن مورد بحث قرار می‌گیرد و در پایان به موضوع نقش سازمان بین‌المللی کار در مبارزه با استفاده از کودکان کارگر پرداخته می‌شود.

به‌طور کلی سازمان بین‌المللی کار براساس معاهده صلح ورسای در سال ۱۹۱۹ شکل گرفت و به‌عنوان اولین آژانس تخصصی سازمان ملل متحد در ۱۹۴۶ آغاز به کار کرد. سازمان

بین‌المللی کار نه تنها به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین سازمان‌های بین‌المللی فعالیت می‌کند بلکه از زمان تأسیس به‌طور ویژه در زمینه ارتقای حقوق بشر عمل می‌نماید. اعضای سازمان در سال ۲۰۰۴ به ۱۷۷ کشور رسید.

نتیجه‌گیری

بعد از جنگ جهانی دوم تحول عظیمی در عرصه حقوق بشر اتفاق افتاد. کشورها توانستند با تأسیس کمیسیون حقوق بشر و دیگر ارکان حقوق بشری وابسته به سازمان ملل متحد موافقت کرده و از حاکمیت مطلق خود چشم‌پوشی کنند. اما بسیاری از استانداردهای حقوق بشری که در این دوران ایجاد شدند به ندرت مورد اجرا قرار گرفتند. هیچ‌یک از ارکان سازمان ملل خود باور ندارند که برای انجام استانداردهای مصوب صلاحیت دارند. حتی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به‌عنوان کانون اصلی سیستم حقوق بشر سازمان ملل این وضعیت را پذیرفت که قدرت اعمال هیچ اقدام اساسی در قبال نقض حقوق بشر ندارد.

باعضویت کشورهای جدید در سازمان ملل متحد از آسیا و آفریقا، ترکیب و اساس ارکان حقوق بشر و ابزارهای مربوطه دچار تغییر شد و بیشترین توجه به استعمارزدایی و مبارزه با نژادپرستی متمرکز شد. در حالی که تعدادی از کشورهای توسعه یافته با این مسائل موافق بودند. اما رفته رفته موضوع حقوق بشر به شکاف اصلی بین بلوک شرق و بلوک غرب و سپس شمال و جنوب تبدیل گردید.

طرفداران حقوق بشر استدلال می‌کردند که حاکمیت و امنیت ملی نمی‌تواند پوششی برای نقض حقوق بشر باشد. هر چند در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست‌ویکم حقوق بشر در جامعه جهانی بسیار ارتقا یافته است و به‌واسطه نقل و انتقالات تکنولوژیک در ارتباطات و گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و ترویج آموزش‌های حقوق بشری و افزایش تجربیات بیشتر و جدید باعث گردیده که حقوق بشر جهانی بیشتر از گذشته نمود پیدا کند اما همچنان شکاف بین شمال و جنوب در خصوص سیستم حقوق بشر وجود دارد. زیرا کشورهای متهم به نقض

حقوق بشر در صدد حفظ هویت، امنیت و حاکمیت خود می‌باشند و کشورهای طرفدار حقوق بشر به بهانه نقض حقوق بشر و تهدید صلح و امنیت جهانی در امور دیگر کشورها دخالت می‌نمایند.

ارزیابی

در مجموع کتاب سازمان ملل متحد و حقوق بشر کتابی مختصر اما مفید جهت آشنایی بیشتر با ساختار و موضوعات جدید سازمان ملل متحد در خصوص حقوق بشر برای دانشجویان و متخصصان حقوق و روابط بین‌المللی می‌باشد. نگارنده ضمن اشاره به مباحث تاریخی، بیشتر به مباحث جدید سازمان ملل و سیستم حقوق بشر پرداخته است. البته نویسنده با ارائه شواهد و نمونه‌های تاریخی مرتبط در مباحث موضوعی سعی داشته است تا بتواند موضوعات را بهتر برای خواننده روشن نماید.

خانم مرتوس در مقدمه اذعان می‌دارد که هدف کتاب اجتناب از تفصیل مطالب بوده و سعی دارد که مطالب به صورت کوتاه و مفید ارائه گردد اما به نظر می‌رسد که چنین هدفی باعث شده است که به برخی از موضوعات حقوق بشر آن‌طور که مطلوب یک پژوهش علمی است پرداخته نشود. هر چند در طول مباحث اشاراتی به نقش NGOها و شورای اقتصادی اجتماعی اشاره شده است اما به نظر می‌رسد که شایسته بود که موضوعات مفصل‌تر از آنچه بحث شده است بررسی می‌گردید. همچنین در فصل اول اشاره می‌شود که نهادهایی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز در مسائل حقوق بشر درگیر می‌باشند، اما هیچ‌گونه اشاره‌ای نسبت به روند و نحوه فعالیت این نهادها در زمینه حقوق بشر نمی‌شود. لیکن این نکته را باید مورد توجه قرار داد که موضوع حقوق بشر چنان گسترده و متنوع است که پرداختن به تمام جوانب آن در یک کتاب تک‌جلدی مقدور نمی‌باشد بلکه نیازمند نگارش چندین جلد کتاب است.

نکته آخر اینکه از جنبه ماهوری و شکلی نیز ایراداتی بر کتاب وارد است.

از نظر ماهوی: در برخی موارد در ارائه اطلاعات دقت لازم به عمل نیامده است. به عنوان مثال در فصل دوم اشاره شده است که کمیساریای حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ ایجاد شده است، در حالی که واقعیت امر آن است که کمیساریا بعد از کنفرانس وین (۱۹۹۳) در سال ۱۹۹۴ به وجود آمد.

از نظر شکلی: براساس اصول روش تحقیق شایسته آنست که بین مطالب ارائه شده در فصول مختلف در حد امکان تناسب رعایت گردد. به عنوان مثال، فصل اول در هفت صفحه، در حالی که فصل دوم در چهل و پنج صفحه نگاشته شده است.

حسن خداوردی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی